

بررسی برنامه ارزیابی بخش مالی ایران

دکتر مهشید شاهچرا*

برنامه ارزیابی بخش مالی^۱ به دنبال بحران مالی آسیاد را در دهه ۱۹۹۰ به منظور تقویت نظارت بر نظام مالی در راستای نظارت دو جانبه صندوق بین‌المللی پول و اقدامات بانک جهانی معرفی گردید. این برنامه در صدد تشریح مساعی برای ترویج ثبات مالی و رشد ارتباطات بین‌المللی کشورهای می باشد. از این طریق توصیه‌های هماهنگ سیاستی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در زمینه تقویت مسئولیت‌پذیری و استفاده بهینه از منابع تخصصی^۲، طی برنامه ارزیابی بخش مالی مورد حمایت قرار می‌گیرد. ارزیابی برنامه بخش مالی به عنوان ابزار شناخت بنیانی برای تنظیم اولویت‌ها در زمینه‌های ارائه کمک‌های فنی بخش مالی و حمایت‌های مالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول خواهد بود. بررسی سیستم مالی نیازمند روش تحلیلی و ابزار روش‌شناسی ویژه‌ای می‌باشد که در نتیجه آن کلیه اعضا و مشارکت‌کنندگان در آن برنامه، از تجربیات آن استفاده نمایند و نیز بتوانند راهکارهای مناسب برای سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشوری فراهم آورد.

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هر دو نقشی بسیار فعال در فرآیند اجرا خواهند داشت. در رابطه با رهنمودهای نظارتی، صندوق بین‌المللی پول کشورهای عضورا برای تطبیق با اصول تشویق می‌کند و به آنها حسب مورد یا براساس اولویت در ارزیابی تطبیقی کمک می‌کند. بانک جهانی نیز حین فعالیت‌های متعارف خود، کشورهای متقاضی را به اجرای اصول ترغیب می‌نماید و همچنین به آنها کمک می‌کند تا چهارچوب نظارتی خود را نسبت به این اصول ارزیابی نمایند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در صدد یافتن کشورهایی هستند که نقاط ضعف شناسایی شده خود را در رژیم‌های نظارتی و کنترلی بهبود می‌بخشد و برای پرداختن به چنین نقاط ضعفی حسب اولویت، به آنها کمک‌های فنی و آموزشی ارائه می‌دهند.

برنامه ارزیابی بخش مالی دارای اهداف زیر می‌باشد:

۱. ایجاد عکس‌العمل مناسب سیستم مالی در برابر شوک‌ها؛
۲. شناسایی قوت و ضعف سیستم مالی در برابر ریسک‌ها؛
۳. ارائه کمک‌های تکنیکی در تدوین گزارش‌ها؛
۴. ارزیابی استانداردهای بخش مالی و کمک به اجرایی شدن آنها؛
۵. کمک به برقراری سیاست مناسب پولی و مالی.

برنامه ارزیابی بخش مالی با توجه به شاخص‌های اقتصاد کلان مانند رشد اقتصادی، چگونگی تراز پرداخت‌ها، تورم، تغییرات نرخ بهره، نرخ ارز، ارتباط منابع بانکی و دولتی، شرایط قوانین و مقررات موجود در هر کشور، به بررسی شفافیت و ثبات مالی در کشورهای مورد مطالعه می‌پردازد و چهارچوب مفید و قابل انعطافی جهت معرفی نقاط آسیب‌پذیر و نیز بررسی بخش مالی برای مسئولین کشورهای مورد مطالعه را فراهم می‌سازد.

گزارش‌های تحلیلی انجام شده در صندوق بین‌المللی پول^۳ و بانک جهانی شرایط خاص هر کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و با مشخص نمودن اختلاف موجود بین مقررات بخش مالی و رویه‌های شفاف و استانداردها و همچنین تدوین و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای ارزیابی ثبات مالی در هر کشور، اصلاحات و تحولات خاصی را در نظام مالی کشورها به وجود می‌آورد. در برنامه ارزیابی بخش مالی هدف مشخص نمودن ارتباط دوگانه عملکرد اقتصاد کلان و سلامت بخش مالی می‌باشد. بنابراین شاخص‌های کلان و شاخص‌های خرد در ارتباط با سلامت مؤسسات مالی و متغیرهای اقتصادی، به عنوان علامتی برای عدم توازن نظام‌های مالی و بحران‌های مالی تلقی می‌شوند. بحران‌های مالی نیز زمانی رخ می‌دهند که هر دو گروه از این شاخص‌ها شرایط بی‌ثباتی را داشته باشند که در این صورت مؤسسات مالی و در حالت کلی نظام مالی را آسیب پذیر می‌سازند. ضرورت تدوین یک روش شناسی واحد برای برنامه ارزیابی بخش مالی این است که استانداردهای ارائه شده، به منظور ارائه رهنمودهای کلی که در رژیم‌های نظارتی مختلف از قابلیت اجرا برخوردار باشند، طراحی شده است. این اصول امکان انعطاف پذیری بیشتری را در طراحی و به کارگیری مقایسه‌های عینی فراهم می‌سازند؛ زیرا مقامات نظارتی ملی ممکن است تفسیرها و برداشت‌های نادرستی از استانداردها داشته باشند.

ضمناً، ارزیابی تطبیقی استانداردها توسط مراجع مختلف ذی‌ربط نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، گروه‌های نظارتی منطقه‌ای، بانک‌های توسعه منطقه‌ای و شرکت‌های مشاوره‌ای، ممکن است منتج به تفسیرهای مختلف و توصیه‌های متفاوت گردد؛ گرچه نتایج ارزیابی‌ها ممکن است به صورت عمومی اعلام نشود، لیکن اینکه ارزیابی‌ها بایستی در تمام کشورها به صورت ثابت انجام پذیرد، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

با وجود ارتباط میان بازارهای مالی و یکپارچگی آنها در کشورهای مختلف، استانداردهای یکسانی مورد نیاز است تا بتوان راهکارهایی برای افزایش ثبات مالی و جلوگیری از بحران‌های مالی در کشورهای مختلف ارائه نمود. از این رو برنامه ارزیابی بخش مالی برای یکپارچگی تجزیه و تحلیل‌های مالی در کشورها استانداردهایی را مشخص نموده است که این استانداردها عبارتند از:

۱. ضوابط انتخاب رویه‌های مناسب به منظور شفافیت در سیاست‌های پولی و مالی؛
۲. اصول محوری کمیته بال به منظور نظارت مؤثر بانکی (BCP)^۴؛
۳. اصول محوری سازمان بین‌المللی شوراها و بورس اوراق بهادار (IOSCO)^۵؛
۴. اصول مربوط به مقررات اوراق بهادار و اتحادیه بین‌المللی ناظرین بیمه به همراه اصول محوری بیمه (IAIS)^۶؛
۵. اصول محوری سیستم پرداخت‌های مناسب (CPSS)^۷.

سیاست‌های پولی و مالی در کلیه کشورهای اجراکننده برنامه ارزیابی بخش مالی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند، ولی جزئیات آن با توجه به ساختار نظام مالی در هر کشور متفاوت است. ارزیابی شفافیت سیاست‌های پولی و مالی به همراه نظارت مؤثر بانکی در اکثر کشورها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ولی اصول سازمان بین‌المللی شوراها و بورس اوراق بهادار و اصول مربوط به ناظرین بیمه کمتر مورد توجه قرار گرفته است [جدول شماره (۱)].

مطابق با مطالعات انجام شده در کشورها، مشکلات مربوط به بی‌ثباتی اقتصاد کلان و اختلال‌هایی که در برخی کشورها به وسیله شوک‌های خارجی و مدیریت ضعیف ایجاد می‌گردد، موجب بروز فشارهایی در بخش مالی و واسطه‌گری مالی شده است. در برخی کشورها ارتباط بین نرخ‌های بهره بالا و وام‌های

جدول (۱) استانداردهای ارزیابی شده در برخی از کشورهای جهان تا سال ۲۰۰۹

| ردیف | نام کشور | شفافیت در سیاست‌های پولی و مالی | نظارت مؤثر بانکی | اصول اوراق بهادار | اصول بیمه | سیستم پرداخت |
|------|------------|---------------------------------|------------------|-------------------|-----------|--------------|
| ۱ | استرالیا | X | X | X | X | X |
| ۲ | اتریش | X | X | X | X | X |
| ۳ | ارمنستان | X | X | X | X | X |
| ۴ | کامرون | X | X | | | |
| ۵ | کانادا | X | X | X | X | X |
| ۶ | کلمبیا | X | X | | | |
| ۷ | چک | X | X | X | X | X |
| ۸ | شیلی | X | X | X | X | X |
| ۹ | قبرس | X | X | X | X | X |
| ۱۰ | السالوادور | X | X | | | |
| ۱۱ | استونی | X | X | X | X | X |
| ۱۲ | فنلاند | X | X | X | X | X |
| ۱۳ | دانمارک | X | X | X | X | X |
| ۱۴ | فرانسه | X | X | X | X | X |
| ۱۵ | غنا | X | X | | | |
| ۱۶ | گواتمالا | X | X | | | |
| ۱۷ | مجارستان | X | X | X | X | X |
| ۱۸ | ایتالیا | X | X | X | X | X |
| ۱۹ | ایسلند | X | X | X | X | X |
| ۲۰ | هند | X | X | X | X | X |
| ۲۱ | ایران | X | X | | | |
| ۲۲ | ایرلند | X | X | | X | |
| ۲۳ | قزاقستان | X | X | X | X | X |
| ۲۴ | لبنان | X | X | | | |
| ۲۵ | کویت | X | X | X | X | X |
| ۲۶ | مکزیک | X | X | X | X | X |

باز پرداخت نشده و سرمایه بانک‌ها مورد توجه و اصلاحات قرار گرفته است و در بسیاری دیگر از کشورها ضرورت تقویت چهارچوب نظارت بانکی، تجدیدنظر در مورد سرمایه و ریسک‌های سرمایه‌ای در مقابل بخش بانکی دولتی و طرح بیمه سپرده‌ها برای جلوگیری از آسیب‌پذیری بانک‌ها از نتایج مهم برنامه ارزیابی بخش مالی مطرح شده است.

بررسی‌های انجام شده در زمینه استاندارد در بازار اوراق بهادار نیز حاکی از نقایص مهمی در حوزه نظارت، نظام تسویه و شیوه مدیریت شرکتی و مدیریت بدهی‌های دولتی می‌باشد. از جمله مسائل مطرح شده در کمیته مشاوره بخش مالی توجه بیشتر چهارچوب قوانین مالی با توجه به شرایط اقتصادی و نقش بخش غیردولتی و در نظر گرفتن مدت معقول برای اجرای توصیه‌های هیئت کارشناسان برنامه ارزیابی بخش مالی در مسائل ساختاری می‌باشد.

ارزیابی استانداردهای برنامه ارزیابی بخش مالی در برخی از کشورهای جهان در نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد که اکثر کشورهای جهان اجرای برنامه ارزیابی بخش مالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را مورد تأکید قرار داده‌اند.

ادامه جدول (۱)

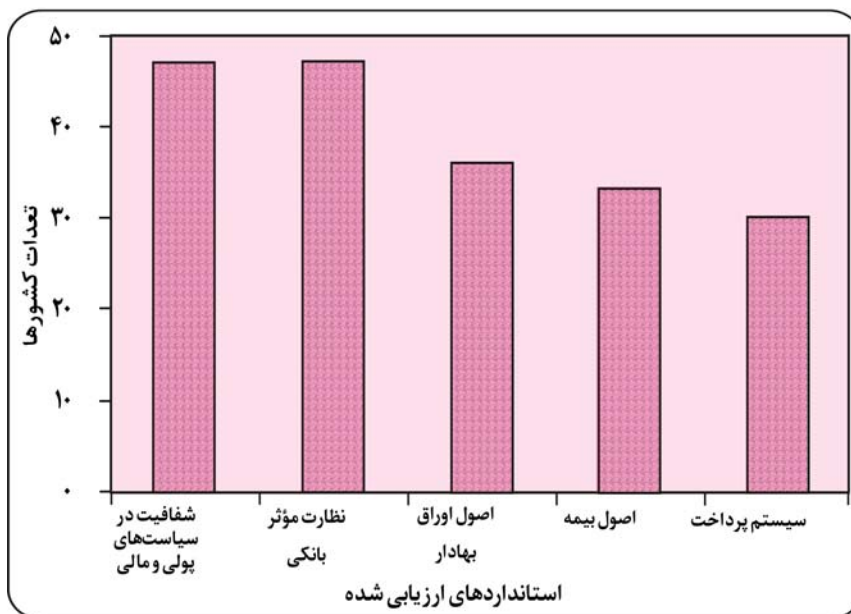
| ردیف | نام کشور | شفافیت در سیاست‌های پولی و مالی | نظارت مؤثر بانکی | اصول اوراق بهادار | اصول بیمه | سیستم پرداخت |
|------|---------------|---------------------------------|------------------|-------------------|-----------|--------------|
| ۲۷ | پرو | X | X | | | |
| ۲۸ | نیوزلند | X | X | X | X | X |
| ۲۹ | پاکستان | X | X | X | X | X |
| ۳۰ | لهستان | X | X | X | X | X |
| ۳۱ | سنگال | X | X | X | X | |
| ۳۲ | اسلونی | X | X | | | |
| ۳۳ | تونس | X | X | X | X | X |
| ۳۴ | پرغال | X | X | X | X | X |
| ۳۵ | تایلند | X | X | X | X | X |
| ۳۶ | انگلستان | X | X | X | X | X |
| ۳۷ | اسپانیا | X | X | X | X | X |
| ۳۸ | سوئیس | X | X | X | X | X |
| ۳۹ | امارات | X | X | X | | |
| ۴۰ | لیتوانی | X | X | X | | |
| ۴۱ | بلغارستان | X | X | | | |
| ۴۲ | بلژیک | X | X | X | X | |
| ۴۳ | یونان | X | X | X | X | X |
| ۴۴ | ترکیه | X | X | X | | |
| ۴۵ | نامیبیا | X | X | X | X | |
| ۴۶ | عربستان سعودی | X | X | X | | X |
| ۴۷ | آفریقای جنوبی | X | X | X | X | X |

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ۴۷ کشور مورد بررسی در جدول شماره (۱)، محور عمودی نشان دهنده تعداد کشورها و محور افقی استانداردهای ارزیابی شده را در هر کشور مشخص می‌کند. این نمودار با توجه به کشورهای منتخب در جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که شفافیت در سیاست‌های پولی و مالی و نظارت مؤثر بانکی توسط اکثر کشورها مورد ارزیابی قرار گرفته است. البته توجه به سایر شاخص‌ها و استانداردهای ارزیابی بخش مالی، یعنی اصول اوراق بهادار، اصول بیمه و سیستم پرداخت هادر اولویت بعدی می‌باشد، همچنین در بسیاری از کشورها مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای نیز در این بخش‌ها در حال انجام است تا برنامه ارزیابی بخش مالی به طور کامل اجرا شود.

در برنامه ارزیابی بخش مالی ارزیابی ثبات مالی^۸ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ارزیابی ثبات مالی وسیله‌ای برای مشخص نمودن میزان تأثیراتی است که رعایت استانداردهای بخش مالی بر مجموعه

نمودار (۱) استانداردهای ارزیابی شده در برخی از کشورهای جهان



ثبات سیستم مالی برجای می‌گذارد. در برخی کشورهای انحراف از استانداردها ارتباط کمی باریسک‌ها و آسیب‌های مالی داشته اما ثبات مالی خطری نداشته است. بنابراین پیوستگی میان ابزارها و استانداردها در نتایج تأثیر بسزایی خواهد داشت.

اصول اساسی برای نظارت مؤثر بانکی نیز در سال ۱۹۹۷ توسط کمیته نظارت بانکی در سوئیس در ۲۵ اصل تهیه و تدوین شده است. در این اصول گستره وسیعی از موضوعات نظارتی همچون صدور مجوز، مالکیت بانک‌ها، کفایت سرمایه، مدیریت ریسک، نظارت یکپارچه، تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها بین مراجع نظارتی کشورهای مبدأ و مقصد مطرح شده است.

به منظور تطبیق، کلیه معیارهای اساسی مرتبط فهرست می‌شوند. این معیارها مشتمل بر دو گروه هستند: «معیارهای ضروری» و «معیارهای تکمیلی». معیارهای ضروری عناصری هستند که به منظور انجام نظارت مؤثر بایستی در کشورهای مختلف وجود داشته باشند. در مقابل، معیارهای تکمیلی به عناصری اطلاق می‌شود که موجب تقویت بیشتر نظارت می‌شوند و تمامی کشورهای باید برای به کارگیری آنها تلاش نمایند.

برای نیل به تطبیق کامل با یک اصل، عموماً بایستی معیارهای ضروری بدون هرگونه کاستی و نقص تحقق یابند. البته مواردی وجود دارد که کشوری به روش‌های مختلف توانسته است اصول ۲۵ گانه را عملی کند. بالعکس، به دلیل شرایط ویژه در برخی کشورها، ممکن است معیارهای ضروری همیشه برای نیل به اصول کافی نباشند. از این رو، معیارهای تکمیلی و یا معیارهای دیگری نیز برای نظارت بانکی مؤثر مورد نیاز خواهد بود.

کمیته بال از روشی تدوین شده برخوردار است که توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای انجام ارزیابی‌هایشان درباره وضعیت اجرای اصول ۲۵ گانه در کشورهای مختلف استفاده می‌شود. کمیته بال به تنظیم و تدوین این سند به عنوان فرآیندی تکرار پذیر می‌نگرد. از این رو اصلاحات و تعدیلاتی که حسب تجربه حاصل می‌شود، در آن اعمال می‌گردد. همچنین توسعه استانداردها و رویه‌های نظارتی و کنترلی منجر به بازنگری‌ها و افزودن ضمائم به آن خواهد گردید. بدین ترتیب همواره نیاز به اسنادی وجود دارد که به طور دوره‌ای به‌نگام شوند.

ضرورت تقویت نظارت بر بانک‌ها، به ویژه از زمانی که ضعف سیستم بانکی دلیل اصلی بحران‌های مالی در بسیاری از کشورهای دهه گذشته شناخته شد، به عنوان اولویتی اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. از آنجا که بحران‌های بانکی اخیر در بسیاری از کشورها، اعم از کشورهای دارای اقتصاد توسعه یافته و یا نوظهور^۱ و رو به رشد به وقوع پیوسته، نظارت بر سیستم‌های بانکی هم از اهمیتی افزون‌تر برخوردار شده است و ناظران و بازرسان نیز با چالش‌های بیشتری مواجه گردیده‌اند. از این رو، برای به حداقل رساندن ریسک تسری مشکلات، به هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال رشد قویاً توصیه شده که روش‌های نظارتی مناسب را بپذیرند و آن را به طور مؤثر اجرا نمایند.

نظارت بانکی مؤثر مستلزم وجود مجموعه‌ای از پیش شرط‌ها است. محیط کلان اقتصادی و ثبات سیاست‌های کلان اقتصادی به دلیل تعامل دوسویه آن با سلامت بانک‌ها از موضوعات اصلی محسوب می‌شوند. در عین حال که فرآیند ارزیابی، بر کفایت فرآیندهای نظارت بانکی یک کشور متمرکز است، ارزیاب باید در صدد باشد تا نسبت به وجود آسیب‌ها و مخاطره‌های کلان اقتصادی که می‌تواند بر اثربخشی مقررات احتیاطی و ثبات سیستم مالی تأثیرگذار باشند، به رویکرد درستی دست یابد.

از این رو، در ارزیابی میزان اثربخشی نظارت بانکی و تطبیق با اصول ۲۵ گانه، باید محیط کلان اقتصادی مد نظر قرار گیرد. در این رابطه، مد نظر داشتن ساختار بخش بانکی و محیط کلان اقتصادی که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. همچنین زیرساخت‌های عمومی می‌تواند تأثیر عمیقی بر ظرفیت و پتانسیل موجود برای تطبیق با اصول ۲۵ گانه داشته باشند.

شاید مهم‌ترین نکته در این خصوص، وجود یک فرهنگ اعتباری مناسب نظیر محیطی است که ایفای تعهدات و تقویت قراردادهای مالی را ترویج می‌کند. فرهنگ اعتباری باید با کمک پشتوانه کافی از قوانینی نهادینه شود که گستره‌ای از مباحث مالی چون قراردادهای، ورشکستگی، وثیقه و باز یافت تسهیلات را در بر می‌گیرد. لیکن صرف قوانین مناسب کافی نیست، بلکه آنها باید توسط گروهی از وکلای و قضات حرفه‌ای مقید به اصول اخلاقی و یک سیستم قضایی مؤثر و معقول که تصمیمات آن لازم‌الاجرا است، حمایت شوند.

علاوه بر این، یک زیرساخت مناسب مستلزم حداکثر انطباق استانداردهای حسابداری با بهترین شیوه‌های کاری بین‌المللی می‌باشد؛ به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران و ناظران بتوانند شرایط مالی بانک‌ها را ارزیابی نمایند و بانک‌ها نیز قادر باشند، سلامت مؤسساتی را که به آنها وام می‌دهند، تحت نظر داشته باشند. داده‌های مالی صحیح به گروهی حرفه‌ای از حسابداران و حسابرسان نیاز دارد.

از دیگر ملاحظات کلیدی در ارزیابی زیرساخت‌های عمومی، میزان اثربخشی نظارت در دیگر بخش‌ها و بازارهای مالی و همچنین مخاطرات مختص به سیستم پرداخت می‌باشد. انضباط مؤثر بازار به شفافیت مالی و حاکمیت سهامی مؤثر بستگی دارد. البته این فرآیند می‌تواند با فعالیت‌های دولت به منظور اثرگذاری بر تصمیمات تجاری به ویژه عملیات وامدهی تضعیف گردد. از این رو، هر نوع تأثیری که سیاست‌های دولت بر عملیات وامدهی داشته باشد، بایستی تا حد امکان آشکار و شفاف باشد؛ به این ترتیب که سیاست‌های دولت در این زمینه باید انتشار یابند و تضمین‌های دولتی به وضوح افشا گردند. اصول مقررات اوراق بهادار سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار نیز در سپتامبر ۱۹۹۸ با توجه به اهداف حمایت از سرمایه‌گذاران، اطمینان یافتن از وجود کارایی و شفافیت در بازار و کاهش ریسک سیستماتیک در ۳۰ اصل طبقه‌بندی شده است.

اصول مورد نظر در بخش بیمه در گردهمایی عمومی انجمن بین‌المللی نظارت بر صنعت بیمه در ۲۸ اصل تدوین شده است. این اصول انتظار رو بکردی جهانی را نسبت به دستورالعمل بیمه‌گران دارند. در

این اصول کنترل و نظارت ذخایر فنی، سرمایه‌گذاری‌ها و نقدینگی، سرمایه مورد نیاز و سیاست‌ها و رویه‌های کاری بیمه‌گران برای تضمین حاکمیت شرکتی مؤثر و کارا به همراه کنترل و نظارت بر فرم‌های قانونی، اعطای مجوز و امکان پس گرفتن مجوز، بازرسی‌های محلی، حسابداری، کنترل‌های داخلی و قوانین حسابداری قابل اجرا برای بیمه‌گران مورد توجه قرار می‌گیرد.

در اصول مربوط به سیستم پرداخت‌ها نیز که در سال ۲۰۰۱ در کمیته سیستم‌های تسویه و پرداخت به تصویب رسیده، قواعد و مقررات و چگونگی انتقال پول بین مؤسسات مالی و بانک‌ها و استفاده‌کنندگان مورد توجه قرار گرفته است. سیستم پرداخت در هر کشور نقش مؤثری در عملکرد بازارهای مالی و پیشرفت ثبات مالی دارد. اصول مربوط به سیستم پرداخت‌ها شامل زیرساخت‌های قانونی، مدیریت ریسک، یکپارچگی و اعتبار امنیتی و عملیاتی و نیز چگونگی مدیریت و کارایی سیستم پرداخت‌ها می‌باشد.

برنامه ارزیابی بخش مالی در ایران به طور آزمایشی در سال ۲۰۰۰ در موارد شفافیت در زمینه سیاست‌های پولی و مالی و نظارت مؤثر بانکی (کمیته بال) مورد ارزیابی کارشناسان قرار گرفته است. با توجه به متغیرهای اقتصاد کلان و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه تا سال ۲۰۰۰، سیاست‌های پولی و مالی و ثبات نظام مالی ایران در بخش بانکی و بازار سرمایه تا حدودی شفاف بوده است و نیازمند اصلاحات بیشتر در زمینه‌های ثبات متغیرهای کلان اقتصادی و برنامه‌های سیاستی می‌باشد. در مورد اصول ۲۵ گانه نظارت مؤثر بانکی و تطبیق این اصول در نظام بانکی کشور، ساختار قانونی به طور کامل منطبق با اصول ارائه شده می‌باشد و در موارد ضوابط برای صدور مجوز حمایت قانونی از ناظران بانکی برای انتقال مالکیت و کنترل منابع بانکی، وضع معیارهای سرمایه‌گذاری یا خریدهای عمده بانک از طرف ناظران برای جلوگیری از ریسک و ارزیابی کیفیت دارایی‌ها و فرآیند مدیریت ریسک و روش‌های موجود نظارتی تقریباً منطبق با اصول کلی کمیته بال برای نظارت مؤثر بانکی می‌باشد.

با این حال با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و توافقات صورت گرفته، پیش‌بینی می‌شود کشور مادر سال ۱۳۸۹ برنامه ارزیابی بخش مالی خود را با توجه به تغییرات ساختاری جدید در نظام مالی کشور مورد بررسی قرار دهد. از این رو توجه هر چه بیشتر به ساختار نظام مالی کشور به منظور کاهش ریسک‌های سیستماتیک و آسیب‌پذیری مالی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف سیستم بانکی و شناسایی دقیق موقعیت نظام مالی کشور در مقایسه با دیگر کشورها و نیز اجرای برنامه ارزیابی بخش مالی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

پانوشته‌ها:

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

1- Financial Sector Assessment Program (FSAP).

۲- منابع تخصصی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی مالی.

3 - The Fund's Article IV surveillance of member countries.

4- Basel Core Principle for Effective Banking Supervision (BCP).

5- International Organization of Securities Commissions (IOSCO).

6- International Association of Insurance Supervision (IAIS).

7- Committee on Payment and Settlement Systems (CPSS).

8- Financial Stability.

9- Emerging.